

درگیری های اضلاع متحده امریکا با اسامه بن لادن

نوشته: ژان چارلز بریسار گیوم دسکی
ترجمه: دوکتور محمدآجان مرزئ
محمد شریف بهاند

فصل سوم يك خط عبوری گاز برای طالبان

شخصی میبایست به این انتظارات و کمکهای خارجی، که به قدرت رسیدن طالبان را ممکن ساخت، معنی و اهمیت میبخشید. شخص مورد نظر طبعاً يك ابر قدرت نفت بود. نام وی کارلوس بولغرونی Carlos Bulgheroni است. نامبرده نه شهروند عربستان سعودی، نه پاکستان و نه امریکا، بلکه شهروند ارجنتاین می باشد. وی رئیس عمومی گروه تشبثات انرژی بنام بریداس Bidas، که چهارمین شرکت بزرگ نفتی امریکای لاتین است، میباشد. مقر گروه مذکور در بوینس آیرس قرار دارد. گروه بریداس در سالهای هفتاد به يك شرکت بزرگ در ساحه نفت رشد نمود. رهبری این گروه بین سالهای ۱۹۹۱ — ۱۹۹۲ از طریق فعالیت در هند و پاکستان بزودی مزایای همکاری بودن با رهبران جدید جمهوریهای سابق شوروی و اولتر از همه ترکمنستان را درک نمود. رهبران گروه برایس در دفاتر شان در اسلام آباد امیدوار بودند، تا در افغانستان به زودی ثبات به وجود آمده و حکومتی برقرار گردد، که با آن در مورد ساختمان پایپ لاین های گاز و اولتر از همه پایپ لاین بین ترکمنستان و پاکستان مذاکره صورت گرفته بتواند. کارلوس بولغرونی در سال ۱۹۹۲ اولین موافقتنامه را در مورد استفاده از منابع گاز دولت آباد با حکومت ترکمنستان به امضاء رسانید و به تاریخ ۶ مارچ ۱۹۹۵ با راضی ساختن حکومت پاکستان و ترکمنستان به موافقت نامه اساسی در مورد ساختن پایپ لاینی که قرار بود از طریق افغانستان بگذرد، موفق گردید (۱).

کارلوس بولغرونی بعد از آن تلاش نمود، تا شرکتهای دیگر نفتی نیز در این تشبث شریک شوند. مخصوصاً شرکت نفت درجه دوازدهم (از نظر قدرت اقتصادی) امریکا بنام یونوکال Unocal.

شرکت نفتی کالیفورنیا Union oil Company of California که در سال ۱۸۹۰ در سانتاپولا Santa Paula تأسیس گردیده و از سال ۱۹۸۳ به این طرف به نام یونوکال کورپوریشن Unocal Corporation یاد میشود، گذشته بسیار موفقی در سکتور انرژی داشت. این شرکت در اواسط سالهای نود تحت اداره رئیس وقتش، روجر بیچ Roger Beach به یکی از ده کانسرن نفتی مهم امریکا رشد نمود. بیچ به مثابه يك متشبث مجرب، امکانات نهفته در پیشنهاد همکاری، بولغرونی را بصورت فوری درک نمود. وی حتی تصمیم گرفت که از خدمات متحدینش صرف نظر نموده و بدون مشارکت شرکت بریداس در محل مورد نظر بصورت مستقیم سرمایه گذاری نماید (۲). او جهت کسب ساحه فعالیت و حمایت مالی به کانسرن دیگری بنام دلتا آیل Delta Oil سعودی، مراجعه نمود.

همان بود که رؤسای شرکتهای یونوکال و دلتا آیل به تاریخ ۲۱ اکتوبر ۱۹۹۵ با رئیس جمهور ترکمنستان، سفر مراد نیازوف، موافقتنامه ای را در مورد صدور گاز به ارزش هشت میلیارد دالر امریکائی به امضاء رسانیدند. در این موافقتنامه ساختمان يك پایپ لاین نیز در

نظر گرفته شده بود^(۳). مصارف ساختمانی این پایپ لاین در حدود سه میلیارد دالر امریکائی تخمین شده بود. بعد از عقد موافقتنامه، حمایت از طالبان نه تنها هدف جیوستراتیژیک بلکه اقتصادی هم داشت.

تصمیم بی سابقه استخبارات عربستان سعودی تحت رهبری شهزاده ترکی الفیصل عبارت از آن بود، که به طالبان به پیمانہ وسیعی کمک برساند، اولتر از همه از طریق ارسال وسایل مخابراتی و چندین موتر پیک اپ چاپانی با شیشه های سیاه که طالبان به آن علاقه فراوان داشتند. عربستان سعودی در عین زمان کمک هایش را به همه احزاب اقوام اوزبک و تاجک قطع نمود. اقوام متذکره دست خالی مانده، فلذا آنها عقب نشینی نموده و مناطق شان را از دست دادند. بنیادگرایان با چنین حمایتی وسیع به جانب کابل به حرکت درآمده و به تاریخ ۲۷ سپتمبر ۱۹۹۶ در میان سرور و شادمانی قدرت را بدست آوردند. این مسأله باعث ارضای خاطر همه گردید. چند ماه قبل از آن خانم روبین رافائیل، مسؤول آسیای جنوبی در وزارت امور خارجه آمریکا، به کندهار سفر نموده بود، تا موافقت کشورش را در مورد انکشافات و تغییرات پلان شده اظهار نماید. نامبرده به تاریخ ۱۹ اپریل ۱۹۹۶ اظهار نمود: **« ما هم هراس داریم، که در صورت عدم ایجاد ثبات سیاسی در این کشور امکانات اقتصادی از دست خواهد رفت»**^(۴). یک جمله ایکه به توضیح بیشتر ضرورت ندارد.

حمایت از بنیادگرایان در خارج از جانب حلقه های سرشناس سیاسی ادامه یافت. دو انسیتوت با نفوذ امریکائی در ساحة سیاست خارجی در حمایت از طالبان جد و جهد اعظمی نمودند. اینها شورای سرشناس روابط خارجی Council on Foreign Relation^(۵) (یک بنیاد واقعی دیپلوماسی امریکائی، که اعضای آن سفیران، وزرای سابق، قشر دیپلومات پوهنتون جورج تون Georgetown University، مکتب سرشناس جان هاپکین سکول John Hopkins School و رند کارپوریشن Rand Corporation) یک مرکز تحقیقاتی، که در قدم نخست در خدمت پنتاگون، صنایع دفاعی و سکتور دفاعی کار می کند)، می باشند. بارنت روبین Barnet Robin متخصص افغانستان در شورای روابط خارجی در اکتوبر ۱۹۹۶ اظهار نمود:

« طالبان با انترناسیونال متعصب اسلامی هیچ گونه ارتباطی ندارند. در واقعیت حتی از آن نفرت دارند»^(۶). چه یک وسعت نظر؟ چنین توضیحات یک ماه بعد از به قدرت رسیدن طالبان صورت گرفتند، یعنی زمانی که محصلان قرآن از «امارت اسلامی افغانستان» صحبت نموده و به قدرت رسیدن شانرا بمنون دالر های دیکتاتوری بنیادگرای عربستان سعودی، مخصوصاً رهبران مذهبی این کشور، که برای یک اسلام تندرو و کهن می رزمد دانسته، زمانیکه ملا عمر خودش را به نام رهبر عقیدت مندان اعلام و لقب «ملا» را اختیار نموده و طالبان رئیس جمهور سابق کمونست نجیب الله را با وجود پناه گزینی به سازمان ملل متحد، بدون حکمه اعدام نموده بودند. تبصره بیشتر در این مورد اضافی خواهد بود!

در آغاز سال ۱۹۹۷ و اواخر زمستان هراس انگیز افغانستان، چنان به نظر میرسید، که گویا کار به انجام رسیده است. متخصصان نفت و دیپلوماتهای سابق، که به جهان تجارت رو آورده بودند، بعد از تصرف ۹۰٪ کشور از جانب ملیشای مذهبی، کار شان را آغاز نمودند. پلان پایپ لاین باید به زودی عملی میگردید. یونوکال تیمش را در اسلام آباد توسعه داده و چندین نماینده خود را به کابل و از همه اولتر به کندهار، به قرارگاه متحدین پر ارزش جدید شان فرستاد. شرکت نفت در هیچ ساحة از مصرف دریغ ننمود. بدین ترتیب مرکز مطالعات افغانستان در پوهنتون نیراسکا نهد هزار دالر امریکائی را بدست آورده و از آن

به منظور سرمایه گذاری در پروژه های مختلف زیربنائی در کندهار استفاده نمود. شخصیت های مهم در این عمل خیره سهم گرفتند. به طور مثال جerald Boardman مسؤول سابق USAID (اجنسی اضلاع متحده امریکا برای انکشاف بین المللی)، سازمان خیره ای که تحت اثر مستقیم وزارت خارجه امریکا قرار دارد. موصوف به کمک پول یونوکال تحت روپوش فعالیت های خیره پوهنتون نراسکا پروژه های تربیتی طالبان را در کندهار تمویل نمود^(۷). یونوکال برای انجام مربوط به جوانب دیپلوماتیکی "منبع ثروت افغانی" اشخاص مهمی چون، روبرت اوکلی Robert Oakley سفیر سابق ایالات متحده در پاکستان را استخدام نمود. موصوف دفاتر خود را در اسلام آباد در تعمیر تصدی سنت گاز CentGas، سندیکای ملی شرکت نفت یونوکال جایجا نمود^(۸).

در پهلوی شرکت دلتا آیل عربستان سعودی تمام خانواده سلطنتی این کشور میخواست، که از هژمونی طالبان، این برادران جوان شورشی شان که اکنون تأمین نظم نوینی را به عهده داشتند، مستفید شوند. این مطلب را بریداس ارجنتایینی هم به زودی درک نمود. کانسرن وی بعد از خیانت یونوکال در برابرش، همکاران جدید را جست و جو نموده و خودش را به شرکت نینگارکو^(۹) (Ningharco) از عربستان سعودی، که با ترکی الفیصل، آمر استخبارات روابط خوب و نیکو داشت، نزدیک نمود^(۱۰).

مأخذ:

1. FT Energy Newsletter. East European Energy Report, 27. March 1995 .

۲ - عمل یکه تازی که باعث دعوی حقوقی بریداس بالای کانسرن یونوکال در اضلاع متحده امریکا گردید. کانسرن ارجنتایینی دعوی را بعد از جریان چند سال محاکمه، برد.

3. Oil & GasJournal, 30. October 1995 .

۴ - اظهارات خانم روبین رافائیل در برابر آژانس خبر رسانی فرانس پرس در جریان سفرش به افغانستان: "ما هم هراس داریم، که در صورت عدم ایجاد ثبات سیاسی در این کشور امکانات اقتصادی از دست خواهد رفت".

۵ - ناشر مجله Foreign Affairs (امور خارجی)، پر نفوذترین مجله در امور جیوستراتیژیک و دفاع سیاسی.

۶ - مصاحبه با روزنامه تایمز The Times، ۱۴ اکتوبر سال ۱۹۹۶ .

۷ - نقل قول از احمد رشید، فصل دهم، تبصره سوم.

۸ - سرمایه سنت گاز Cent Gas مرکب از سهمیه های ذیل می باشد:

یونوکال % ۷۰، دلتا آیل % ۱۵، شرکت روسی بنام گاز پروم % ۱۰، و شرکت دولتی ترکمنی بنام ترکمنو گاز % ۵ .

۹ - قراردادی که برای اولین بار ژورنال تجارتي Journal of Commerce به

تاریخ سوم نومبر سال ۱۹۹۷ در مورد آن گزارش داد.

۱۰ - در مورد جزئیات شجره سعودی به فصل هفتم و هشتم مراجعه نمائید.

حقیقت ممنوع

درگیری های اضلاع متحده امریکا با اسامه بن لادن

نوشته: ژان چارلز بریسار گیوم دسکی

ترجمه: دوکتور محمدآجان مرزئ

محمد شریف بهاند

فصل چهارم

ملا عمر، متحدی ناراحت کننده

در بهار سال ۱۹۹۷ زمانیکه اوضاع سیاسی و تجارتي انكشاف مثبت نمود، در شمال کشور زد و خورد های شدیدی آغاز گردید. همراه با آن، زمان بی عاطفگی "رسمی" در برابر طالبان شروع گردید، که در جریان آن از محصلان قرآن اشتباهات مکرری هم سر زد. این اشتباهات ایشان، جانب مقابل مذاکره را مجبور ساخت، تا از آنها دوری جوید.

در جریان حملات شدید بالای شهر مزارشريف تحت رهبری قوماندان احمدشاه مسعود و مخصوصاً مناطق تحت کنترل جنرال اوزبك رشید دوستم جنگ با بی رحمی بی سابقه ای صورت گرفت. موارد متعدد شکنجه به اثبات رسید. این جنگها بین ماه های می و آگست سال ۱۹۹۷ به قیمت زندگی تقریباً ده هزار انسان انجامید. در عین زمان طالبان، که در جنوب کشور و در کابل به قدرت رسیده بودند، مقررات هر چه بیشتر بازدارنده را وضع نمودند. چنان به نظر می آمد، که زنان اولین قربانیان رژیم باشند. جامعه بین المللی درین مورد به کندي ابراز خشمگینی مینمود. اما تاریخ ۲۸ سپتمبر سال ۱۹۹۷ باعث تغییر واقعی در روابط میان رهبری افغانی و بقیه جهان گردید. در این روز کمیشنر اتحادیه اروپا برای امور بشری، ایمو بانینو Emma Banino از افغانستان باز دید نمود، تا وضع را به چشم خود مشاهده نماید. نامبرده خیلی زود کهنه گرایی محصلان قرآن را درک نمود. او با همراهی ژورنالیستان متعدد و آمران سازمانهای بشری شرایط فاجعه انگیز زندگی زنان، سکتور تربیتی و آزادیهای عامه را تشخیص نمود. در جریان سفر واقعات متعددی رخ داد. پولیس برخی از اعضای هیئت وی را دستگیر نمود^(۱).

در حالیکه طالبان از يك طرف چهره های واقعی شانرا نشان میدادند، از طرف دیگر بن لادن برای افغانستان به يك مشکل مبدل گردید. سنی های بنیادگرا دارنده ریشه های عربستان سعودی تقریباً از دو سال به این طرف اضلاع متحده را دشمن درجه يك شان اعلام نموده بودند. آنها از قرارگاه عمده شان، خرطوم در سودان به کمک پایگاه های شان در برخی از مناطق یمن، که تحت کنترل قوای نظامی نبودند، اولین فعالیتهای شان را علیه امپریالیست هایکه خاک عربستان سعودی، سرزمین اماکن مقدس را لکه دار نموده بودند، آغاز کردند. اسامه بن لادن از جمله رهبران شان است^(۲). او بعد از آنکه حکومت حاکم سعودی را بنابر سلوک نوکرمنشانه در برابر اضلاع متحده امریکا بصورت علنی شدیداً انتقاد نمود و بدین ترتیب باعث خرسندی رهبران مذهبی گردید، تابعیت دولتی عربستان سعودی را از دست داد. او در این زمان منحيث عامل اصلی سوء قصد های ۲۵ جون سال ۱۹۹۶ علیه تاسیسات نظامی در خوبار Khobar عربستان سعودی شمرده می شد. گفته میشود، که وی به کمک وسایل مالیش جهت انسجام يك جنبش سیاسی از میان جنگجویان سابق

علیه قدرت شوروی، افرادی را به مثابه مدافعان اسلام پاک و خالص جهت مبارزه بر ضد فشار سلطنت حاکم جمع آوری می نماید. بن لادن در این زمان چندین بار در شهر جلال آباد افغانستان، محل نفوذ رهبر بنیادگرایان، گلبدین حکمتیار، هم‌رزم سابقش در مبارزه چریکی علیه قوای سرخ و در قدم نخست آمر سابق محمد عمر، شخص جدید قدرتمند در کشور دیده شد.

اولین بازگشتش به آسیای میانه، که وی در سال ۱۹۹۱ ترکش گفته بود، در ماه می سال ۱۹۹۶ صورت گرفت، این زمانیهست، که حامیش رئیس دولت سودان عمرالبشیر به مراسم حج به مکه در عربستان سعودی رفته بود. اسامه بن لادن برای آنکه باعث کدروت روابط میان میزبان و خانواده سلطنتی عربستان سعودی نشده باشد، به پاکستان پرواز نموده و از آنجا برای چند هفته به جلال آباد عزیمت نمود^(۳). دو پسرش سعد و عبدالرحمن با وی هم سفر نشده، بلکه در سودان باقی ماندند، اما بعد از شش ماه به او پیوستند. او در سال ۱۹۹۷ بعد از تهاجمات متعدد و حمله نافرجام علیه رژیم دگروال معمرالقذافی^(۴)، در لیبیا بالاخره در افغانستان جا بجا گردید.

ماموران اداره رئیس جمهور کلنتن اولتر از طریق گزارشی "غیررسمی" از جانب وین دیونینگ Wayne Downing متوجه این شخصیت شدند. زمانیکه مقامات ریاض بعد از سوء قصد در خوبار از اجازه دادن به تحقیقات اف بی آی در عربستان سعودی خوداری نمودند، پنتاگون وین دیونینگ را موظف نمود، تا جهت روشن نمودن برخی از پیامدها، تحقیقات خارج از چوکات حقوقی را به صورت پنهانی انجام دهد. بدین ترتیب دیونینگ اولین افسر بلند رتبه قوای نظامی امریکا می‌باشد، که «پدیده ای بنام بن لادن» را شناخت^(۵).

رشد رژیم طالبان و دوستی آنان با دشمنان جدید امریکا، امید شرکت‌های نفت، وزارت تجارت و دیپلوماتها را هر چه بیشتر درهم و برهم نمود. مادالین آلبرایت Madeleine Albright وزیر خارجه وقت امریکا در جریان يك سفرش به اسلام آباد رژیم جدید کابل را با وجود پیشبینی های مکرراً خوش بینانه اش بصورت علنی انتقاد نمود. واشنگتن بصورت رسمی از طالبان دوری جست. تیرگی روابط در ماه های مابعد آغاز یافت و این روابط در تابستان سال ۱۹۹۸ قطع گردید.

حکومت کابل در اواخر ماه جولای سازمانهای غیر حکومتی امریکا را از کشور خارج نمود. طالبان در شمال کشور مخالفانشان را به سکوت در آورده و شهر مزارشریف را به صورت کامل تسخیر نمودند. حال يك تعداد خیلی کمی از مجاهدین در اطراف قوماندان مسعود مقاومت نشان میدادند، اما آنها صرف قسمت دور افتاده کوهستانی و کمتر از پنج در صد کشور را در دست داشتند. در جریان تسخیر شهر مزارشریف اعدام ها صورت گرفت، اولتر از همه ده نفر از دیپلوماتهای ایرانی تیرباران شدند. همراه با آن از نظر بسیاری از دیپلوماتهای بین المللی، نقطه ای که دیگر از آن راه بازگشت وجود نداشت، فرار رسیده بود. اما این همه انجام کار ها نبود. بتاريخ هفت آگست سال ۱۹۹۸ در نایروبی و دارالسلام علیه سفارتهای امریکا سوء قصد ها صورت گرفت. این سوء قصد ها از جانب بن لادن تمویل و با حمایت لوژستیکی شبکه جهاد اسلامی و جماعه اسلامیة انجام یافتند. این دو جنبش ترور از زمانی بدین سو با هم متحد بوده و در افریقای شرقی نفوذ زیاد حاصل نموده بودند. اضلاع متحده امریکا بتاريخ ۲۰ آگست این سوء قصد ها را با فیر ۷۵ راکت کروز مسایل Cruise-Missile بالای اهدافی در اطراف خوست و جلال آباد، جائیکه کمپ های تربیتی القاعده قرار داشتند، و بالای يك فابریکه ادویه سازی

در سودان، جواب داد. روز بعد ملا محمدعمر این حملات را تقبیح نموده و اعلام داشت که بن لادن مهمان گرامیش میباشد.

پایان پرده اول: حکومت امریکا تمام روابط مستقیمش را با کابل قطع نمود، اما صرف برای شش ماه.

نتیجه: پروژه نفت درین مقطع زمانی به ناکامی انجامیده بود. جنبشی زنان ماژوریتی Feminist Majority (و یا اکثریت مؤنث گرا) در سر تا سراضلاع متحده امریکا علیه کانسنر یونوکال^(۶) پروپاگند را براه انداخته و آنرا به حمایت از دیکتاتوری که بردگی زنان را پایه سیاست اجتماعی خود قرار می دهد، متهم نمود. هیلری کلنتن حمایتش را از این فعالیت به صورت علنی و با تأکید همه جانبه اعلام نمود. یونوکال مامورینش را از پاکستان و افغانستان بصورت تدریجی بیرون ساخته و دفاترش را در این کشورها مسدود نمود. اما در ریاست امور آسیائی وزارت امور خارجه در واشنگتن در مورد وقوع حوادث ناگوار ابراز تأسف صورت گرفت. در اینجا هیچکس مفیدیت یک حکومت دوست در افغانستان را، حکومتی را که امید برقراری آن در وجود محصلان قرآن دیده شده و باعث ثبات در کشور شده میتواندست، فراموش ننموده بود. بدین ترتیب نظریه مربوط به حمایت از یک حکومت میانه رو طالبان درآینده به میان آمد. یک سنجش تمسخر آمیز و با فرجامی ویرانگر. اما این کشور برای بسیاری مهم تر از آن بود، که از آن به خاطر اختلاف نظر با یک تعداد بنیادگرایان جنگ طلب صرف نظر نمایند.

مآخذ:

1. Agence France Press, 29. September 1997 .

۲ - به فصل نهم و دهم مراجعه نمائید.

3 . Le Mond du renseignement, Nr. 290, Juni 1996 .

۴ - به فصل نهم مراجعه نمائید.

۵ - قصر سفید تقریباً یک ماه بعد از سوء قصدجنرال دونینک را به تاریخ ۱۰ اکتوبر سال ۲۰۰۱ مقرر نمود. رئیس جمهور امور اداره تحقیقات استخباراتی درمورد القاعده را به وی سپرد. موصوف با خانم کوندولیزا رایس، مشاور رئیس جمهور در امور امنیت ملی، یکجا فعالیت می نمود.

۶ - مجلس سنای اضلاع متحده امریکا به تاریخ ۹ مارچ سال ۱۹۹۹ از مارویس لینو، رهبر جنبش زنان بنام " اکثریت طرفدار حقوق زنان" سؤال و جواب نمود. درین سؤال و جواب کانسنر یونوکال بصورت واضح به حمایت از طالبان متهم گردید.